

شیوه های امر به معروف ونهی از منکر در مواجهه با خواص از منظر نهج البلاغه

۱

چکیده

آیات متعددی از قرآن کریم به طور صریح و یا به گونه غیر مستقیم به تشویق و ترویج امر به معروف و نهی از منکر می پردازد و نیز احادیث متنوع و بسیاری از کتب حدیثی شیعه و اهل سنت به ویژه روایات مکرری از نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) که در حقیقت ترجمان وحی و تفسیر قرآن محسوب می شوند، قرآن به عنوان منشور کلی هدایت و ترسیم خطوط کلی آن، اغلب به اجمال در مباحث ورود نموده و معصومان علیهم السلام به عنوان مفسران قرآن به تفسیر و تفصیل کلیات آن پرداخته اند. امر به معروف و نهی از منکر، بر اساس آیات قرآن، در کنار امر به اقامه صلوه قرار داده شده، سنت و سیره خداوندی و نیز سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) قلمداد شده است و از منظر علی (ع) تمام اعمال نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون آب دهان است در مقابل دریایی عمیق و پهناور. چنانکه قوام شریعت را امر به معروف و نهی از منکر دانسته و آن را افضل اعمال خلق معرفی نموده است. این نوشتار تلاش نموده تا دو بحث مهم شیوه های امر به معروف و نهی از منکر را که در آیات به اجمال مطرح شده، با روش توصیفی، تحلیلی و با استناد به کتابخانه ای به پیشگاه سرآمد و پیشگام مفسران قرآن، علی (ع) برده و از چشمه خالص و زلال حضرتش، تفسیر و تفصیل آیات مربوطه را جویا شود.

کلیدواژه: شیوه، امر به معروف، نهی از منکر، خواص، نهج البلاغه.

مقدمه

دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر که هر دو جزء فروع ده‌گانه دین مبین اسلام می‌باشند، آنچنان جایگاه والایی در شرع مقدس اسلام دارند که در حدود ۳۰ آیه از آیات قرآن کریم با الفاظ و عبارات مختلف در خصوص آن‌ها نازل گردیده است. علاوه بر آن، در سخنان معصومین علیهم‌السلام، در خصوص آن‌ها نکات فراوانی بیان گردیده که در منابع و متون معتبر حدیث ما ثبت و ضبط شده است. فقها و محدثین نیز در کتاب‌های خود هر یک بابی را تحت این عنوان باز کرده و درباره‌ی آن مطالب ارزنده‌ای را نگاشته‌اند. در اهمیت و منزلت این دو فریضه همین بس که جزء فروع دین شمرده شده‌اند. با این حال، با کمال تأسف باید اذعان نمود که آن‌طور که شایسته است در قرون و اعصار مختلف تاریخ اسلام، این دو فریضه، اولاً زوایا و ظرایف و نیز مسائل مختلف آن‌ها به عنوان دو واجب شرعی به خوبی بیان نگردیده است و ثانیاً به خوبی اجرا نشده؛ تا جایی که امروزه و بالاخص پس از پیروزی انقلاب پربرکت جمهوری اسلامی ایران، از آن‌ها به عنوان دو فریضه‌ی «فراموش شده» یاد می‌شود و برای به جریان افتادنشان «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» تأسیس گردیده است. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه و منظر امام علی علیه‌السلام، جلوه‌ای دیگر و جایگاهی ویژه دارد. در میان کلمات، نامه‌ها و سخنان به جای مانده از آن حضرت، اشارات و توجهات خاصی به این موضوع وجود دارد. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با موضوع پرداخته‌اند از جمله در مقاله: امر به معروف و نهی از منکر از منظر نهج البلاغه، مولف: کیوان احسانی، ۱۴۰۱ در این مقاله به بحث مهم امر به معروف و نهی از منکر را که در آیات به اجمال مطرح شده، با استناد به شیوه کتابخانه ای به پیشگاه سرآمد و پیشگام مفسران قرآن، علی (ع) برده و از چشمه خالص و زلال حضرتش، تفسیر و تفصیل آیات مربوطه را جویا شود. در مقاله: امر به معروف و نهی از منکر از منظر املاک علی (ع)، مولف: هادی اسماعیل زاده و دیگران، ۱۴۰۰ در این مقاله به بررسی امر به معروف و نهی از منکر از منظر املاک علی (ع) پرداخته است. در مقاله: نگرشی بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، مولف: محم مهدی کریمی نیا و دیگران، ۱۴۰۱ در این مقاله به بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) پرداخته شده است. هدف از این مقاله، به شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با خواص از منظر نهج البلاغه است. ولی در این مقاله حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم کلیدی پژوهش، به شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با

خواص از منظر نهج البلاغه پرداخته شود. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با خواص از منظر نهج البلاغه چیست؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آنها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- معروف و منکر

معروف به معنای: از هر کار نیک که امر شرعی یا عقلی بر آن تعلق گرفته باشد، اعم از وجوبی یا استحبابی؛ «منکر» عبارت است از هر کار قبیحی که نهی شرعی بر آن تعلق گرفته باشد، اعم از تحریمی یا کراهتی.^۱ بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر فقط در دایره احکام شرعی متصور است، پس رسم عرف، قوانین موضوعه غیر شرعی مانند قوانین رانندگی، آداب مربوط به خانواده، کلاس، مدرسه، محله، شهر، کشور و... را نمی توان داخل در مقوله معروف و منکر دانست.

مانند چنانچه شخصی پای خود را در مقابل بزرگ تر دراز می کند یا خارج از عرف غذا می خورد یا بد راه می رود و... تذکر دادن در مورد این گونه امور ربطی به امر به معروف و نهی از منکر ندارد مگر اینکه آنها هم در عرف متشرعه اهانت یا حقارت محسوب شود. یادآوری کنیم که آنچه ذکر شد، مربوط به مواردی است که فقط با عرف ارتباط دارد و از مقوله دین خارج باشد؛ اما اگر موارد ذکر شده به نوعی به امور دینی مربوط شود، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب خواهد بود. مانند دراز کردن پا در حضور قرآن، در صورتی که هتک حرمت آن محسوب گردد، یا به کار بردن لفظ خاصی که به مقدسات دین بی احترامی شود. در این صور نهی از منکر واجب خواهد بود؛ زیرا این گونه موارد، ثابت کننده مصداق امر به معروف و نهی از منکر به شمار می روند و از باب «صدق موضوع» موردی برای امر به معروف و نهی از منکر خواهند شد.

^۱ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۵۶.

۲- اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

با همه ی اهمیتی که امر به معروف و نهی از منکر دارد و در تعبیر دینی ما با عنوان «برترین فریضه» از آن یاد شده، واقعیت این است که این فریضه مهجور است. این مهجوریت اختصاص به روزگار ما هم ندارد؛ در صدر اسلام نیز چنین بوده است. بی گمان مهم ترین علل ترک این فریضه دو چیز است: ترس و طمع. احساس می کنیم که وظیفه ای داریم و باید کاری کنیم، ولی می ترسیم که ابر اثر اقدام مازیانی متوجه خود و اطرافیان ما شود. گاه می خواهیم دست به کاری زنیم اما طمع ما را بر آن می دارد و چشم خرد را کور می سازد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بیش تر هلاکهای خرد، هنگام درخشش طمع است.»^۱ به همین دلیل امام علیه السلام به مالک اشتر توصیه می کند از مشورت با چند کس خودداری کند. از جمله: آدم طمع کار و ترسو که یکی او را از اقدام می هراساند و آن یک او را به افراط و می دارد.^۲

امام علی علیه السلام با توجه به این دو حالت روانی (ترس و طمع) تأکید می کند که امر به معروف و نهی از منکر نه از روزی کسی می کاهد و نه عمر کسی را کوتاه می کند: «پس امر به معروف و نهی از منکر کنید که نه اجلی را نزدیک می سازد و نه روزی ای را عقب می اندازد»^۳

امر به معروف و نهی از منکر نه تنها واجب است؛ بلکه طبق آیات و روایات و کلام فقها، از بالاترین واجبات می باشد. قرآن در تعریف «یاری کنندگان» خدا چنین می فرماید: (الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)^۴؛ «یاری کنندگان خدا همان کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیم، نماز به پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان تمام کارها از آن خداست!» بنابراین، در اولین فرصت که حکومت در اختیار یاری کنندگان خدا قرار گیرد، اقدام به برپایی نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند.

حضرت علی (علیه السلام) در «نهج البلاغه» واجبات دیگر را در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر چنین معرفی می فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ المُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹.

^۲ همان، نامه ۵۳.

^۳ همان، حکمت ۳۷۴.

^۴ حج، ۴۱.

فِي بَحْرِ لُجِّي^۱؛ تمام کارهای نیک در مقابل جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر مانند رطوبتی در مقابل دریا هستند. «

امام باقر (علیه السلام) در مذمت برخی از مردم آخرالزمان فرمودند: «رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفَهَا^۲؛ آنان بالاترین و شریف ترین واجبات دینی را ترک می کنند.»

فقههای بزرگوار نیز به تبعیت از روایات، همین عبارات را در کتابهای فقهی خود ذکر نموده اند. شکی نیست که یکی از واجبات و فروع دین، مسأله امر به معروف و نهی از منکر می باشد؛ بلکه «وجوب» امر به معروف و نهی از منکر، مورد اجماع و اتفاق تمام مسلمانان است، و لذا این دو فریضه از ضروریات دین محسوب می گردند.

مرحوم فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ق) می نویسد: «بالجمله فوجوب الجهاد و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و التعاون

على البرّ و التقوى و الإفتاء و الحكم بين الناس بالحق و اقامة الحدود و التعزيرات و سائر السياسات الدينية من ضروریات الدین، و هی القطب الأعظم فی الدین و المهم الذی انبعث الله له النبیین^۳؛ وجوب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون در نیکوکاری و تقوا، فتوا و حکم بین مردم، اقامه حدود و تعزیرات و بقیه سیاستهای دینی از جمله ضروریات دین می باشند. «ضروریات دین» به اموری گفته می شود که قطب اعظم و امور مهم دینی بوده، خدا انبیا را برای (ابلاغ و اجرای) آنها فرستاده است. «

۳- آداب امر به معروف و نهی از منکر

امام علی علیه السلام در کنار تأکیدات بسیار بر اصل این فریضه، همواره بر آن است تا با آموختن آداب آن، دیگران را از کج فهمی و برداشت ناصواب بر حذر دارد و شیوه ی درست آن را به مؤمنان بیاموزد. مهم ترین این آداب عبارت است از:

۱. پرهیز از تجسس

امر به معروف و نهی از منکر ناظر به حقوق اجتماعی مسلمانان است و تنها در این حوزه کاربرد دارد. از این رو کشاندن آن به حریم خصوصی مردم جز مسخ این فریضه و مشکل سازی نتیجه ای ندارد. اساساً تا ترک معروف

^۱ نهج البلاغه، ص ۵۴۳.

^۲ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۵.

^۳ مفاتیح الشرائع، ج ۲، ص ۵۰.

بگوید: او را گرامی داشته پس باید بداند که دیگران را (که غرق زینت های دنیایند) گرامی نداشته است؛ چرا که دنیا را برای آن ها گسترده و از مقرب ترین افراد به خودش دریغ داشته است» (فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ: أَكْرَمَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ! فَإِنْ قَالَ: أَهَانَهُ، فَقَدْ كَذَبَ - وَاللَّهِ الْعَظِيمِ - بِالْأَفْكَ الْعَظِيمِ، وَإِنْ قَالَ: أَكْرَمَهُ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ، وَزَوَّاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ).

فراموش نکنیم که در گذشته گروهی از ثروتمندان بودند که ثروت خود را دلیل بر عنایت و توجه خاص الهی می شمردند و در نتیجه فقرا و نیازمندان را رانندگان درگاه الهی می پنداشتند و همین تفکر، سبب می شد که دیگران را به جمع آوری ثروت - از هر طریق ممکن - تشویق کنند.

به همین دلیل می گفتند: «اگر خدا می خواست کسی را به نبوت مبعوث کند باید یکی از ثروتمندان بزرگ این دو شهر (مکه و طائف) را برای این کار بر می گزید» (وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبَتَيْنِ عَظِيمِ). (۱) سپس به پاسخ از آن ها پرداخته و می فرماید: «اگر نه این بود که مواهب مادی سبب می شد که همه مردم، راه انحراف را در پیش گیرند ما برای کافران خانه هایی قرار می دادیم با سقف هایی از نقره و پلکان هایی که از آن بالا بروند... و انواع زینت ها که از آن بهره گیرند ولی تمام این ها متاع حیات دنیاست (و در پیشگاه خدا ارزشی ندارد) و سرای آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزگاران است» (وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فُضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرَرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ * وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ)^۱

امام (علیه السلام) در این جا با یک برهان قاطع این تفکرات غلط را از ذهن ها می زداید. به یقین، خداوند بیش ترین عنایت را به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) داشت؛ در حالی که از زرق و برق دنیا محروم بود، هیچ کس نمی تواند بگوید: خدا به پیامبر بزرگش اهانت کرد؛ بنابراین نتیجه می گیریم که امکانات مادی و زر و زیورهای آن هرگز دلیل بر شخصیت کسی نیست.

به همین دلیل، به دنبال این سخن، چنین نتیجه گیری می کند: «بنابراین (کسی که می خواهد سعادتمند شود) باید به پیامبر خود تاسی جوید، گام در جای گام هایش نهد و از هر دری که او داخل شده وارد شود و الا از هلاکت (و گمراهی) ایمن نخواهد بود» (فَتَأْسَى مُتَأَسِّ بِنَبِيِّهِ، وَاقْتَصَّ أَثَرَهُ، وَوَلَجَ مَوْلَجَهُ، وَإِلَّا فَلَا يَأْمَنُ الْهَلَكَةَ).

و در تکمیل آن می افزاید: «زیرا خداوند، محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - را نشانه قیامت و بشارت دهنده بهشت و بیم دهنده کیفر قرار داده است. (و این پیامبر با این مقام و عظمت) با شکم گرسنه از این جهان رحلت کرد و با سلامت (روح و ایمان) به سرای دیگر وارد شد. او تا آن زمان که از جهان رخت بر بست و دعوت

^۱ زخرف، ۳۳-۳۵.

حق را اجابت نمود سنگی روی سنگ نهاد (و خانه محکمی برای خود ساخت) «(فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَلَمًا لِلسَّاعَةِ، وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ، وَ مُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ. خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا حَمِيصًا، وَ وَرَدَ الْآخِرَةَ سَلِيمًا. لَمْ يَضَعْ حَجَرًا عَلَى حَجَرٍ، حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ، وَ أَجَابَ دَاعِيَ رَبِّهِ). اشاره به این که آن پیامبری که این همه عظمت داشت که نشانه قیامت و بشیر و نذیر الهی شمرده می شد، چنان زندگانی ساده و زاهدانه ای داشت که با شکم سیر از دنیا رفت و خانه مستحکمی برای خود ساخت. (البته پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حجره هایی برای همسرانش در کنار مسجد ساخته بود که از گل و شاخه های درخت نخل بود و تعبیر به «لم يضع حجراً على حجر» اشاره به خانه های مستحکم ثروتمندان است که آن را با سنگ های محکم می ساختند).

آن گاه چنین نتیجه می گیرد: «چه منت بزرگی خدا بر ما نهاده که چنین پیشوا و رهبری به ما عنایت کرده، تا راه او را بپویم و قدم در جای قدم های او نهیم» (فَمَا أَعْظَمَ مِنَّةَ اللَّهِ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلَفًا نَتَّبِعُهُ، وَ قَائِدًا نَطَأُ عَقْبَهُ!).

آری، یکی از نعمت های بزرگ خداوند بر انسان ها وجود پیشوایان بزرگ و آگاه است که تمام حرکات و سکنات زندگی آن ها آموزنده است و هیچ قوم و ملتی همچون مسلمین جهان از این موهبت عظیم بهره مند نشده اند؛ گرچه پیشوایان بزرگی داشتند ولی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) پیشوای همه پیشوایان راستین است و چه کفران نعمتی از این بالاتر که با وجود چنین رهبری در گمراهی بمانیم و از زندگی او درسی نیاموزیم!

سپس برای این که امام (علیه السلام) ثابت کند اگر چنین سخنی می گوید خود قبل از هر کس به آن عمل نموده و دقیقاً گام در جای گام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نهاده، می فرماید: «به خدا سوگند! آن قدر این پیراهن را وصله زدم که از وصله کننده آن شرم دارم (تا آن جا که) کسی به من گفت: چرا این پیراهن کهنه را دور نمی افکنی؟ گفتم: از من دور شو. صبحگاهان، رهروان شب را ستایش می کنند! (آنها که بیدار بودند و ره سپردند و به مقصد رسیدند نه آنها که در خواب بودند و در بیابان ماندند)» (وَاللَّهِ لَقَدْ رَقَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا. وَ لَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ: أَلَا تَنْبِذُهَا عَنْكَ؟ فَقُلْتُ: اغْرُبْ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى!).

از این تعبیر به روشنی استفاده می شود که گاه، امام (علیه السلام) پیراهن خود را برای وصله زدن به دیگری می داد (هر چند گاهی خودش شخصاً به این کار اقدام می فرمود) و آن قدر وصله در کنار وصله روی وصله زده شده بود که امام (علیه السلام) از وصله کننده شرم داشت و با این حال، حاضر به ترک آن و تهیه لباس جدیدی نبود.

چقدر فرق است بین زندگی آن حضرت و کسانی که برای هر فصل و هر زمان و مکان، لباس دارند. برای مجلس شادی لباسی و برای مجلس عزا لباسی دیگر؛ برای سفر و برای حضر و برای خواب و بیداری هر کدام لباسی تهیه کرده اند و از آن اسف انگیزتر این که بسیاری از لباس های خود را به دور می افکنند؛ تنها به علت این که از مد افتاده! بی آن که کهنه یا فرسوده یا پاره شده باشد!!

جمله «عِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى!» ضرب المثل معروفی است در میان عرب و مفهوم آن، چنین است: آنها که به موقع تحمل شدايد و ناملایمات می کنند، هنگامی که به مقصد می رسند از کار خود خشنودند و حمد خدا را به جا می آورند و دیگران هم آنان را می ستایند.

نتیجه گیری

در این مقاله به آنچه که گفته شد به این نتیجه دست یافتیم که با توجه به خطبه ها و سخنان امام علی در نهج البلاغه امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با خواص، به منزله بخشی از سیاست‌های نظارتی و کنترلی دین مبین اسلام برای برقراری نظم عمومی در جامعه اسلامی، نقش محوری و مهمی را در افزایش التزام همگانی به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی ایفا می‌کند. تحقق این مهم و بهره‌گیری از این ظرفیت، مستلزم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نهادسازی و تمهید مقدمات و شرایط لازم اجرایی است. بدیهی است ایران اسلامی به اقتضای ضرورت‌های ناشی از انقلاب اسلامی و تلاش در مسیر جامعه‌سازی منطبق بر فرهنگ اسلامی، باید به صورتی برنامه‌ریزی شده و ساختاری، اقدامات لازم را در جهت احیاء، ترویج و بسترسازی عملی برای اجرایی شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در عرصه‌های مختلف انجام دهد؛ زیرا این فریضه، عنصر مکمل فرایند جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت دینی به حساب می‌آید. نظام تعلیم و تربیت که از عوامل و کارگزاران مهم جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن محسوب می‌شود، نقش بسیار مهم و بی‌بدیلی را در انتقال فرهنگ، تقویت ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی بسترسازی مناسب برای اجرایی شدن این فریضه در سطوح مختلف حیات اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. با توجه به اینکه فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر» نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری رفتار دینی افراد داشته و به‌عنوان عاملی بازدارنده و تعالی‌بخش، مسیر دستیابی به کمال و شکوفایی معنوی را هموار می‌سازد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- احسانی، کیوان، امر به معروف و نهی از منکر از منظر نهج البلاغه، کنگره بین المللی راهکارای گسترش فرهنگ غدیر و ترویج نهج البلاغه در جهان، ۱۴۰۱.
- ۲- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، امر به معروف و نهی از منکر در نهج البلاغه، ۱۳۸۹/۸/۳۰.
- ۳- صاحب جواهر، محمد حسن، **جواهر الکلام**، ج ۲۱، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۹.
- ۴- کاشانی، محمد، **مفاتیح الشرائع**، ج ۲، نشر: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۹۶.
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۲، نشر: دارالثقلین، ۱۳۹۱.
- ۶- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، نشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- ۷- طبرسی، حسن بن فضل، **مجمع البیان**، ج ۲، نشر: حوزه علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.